ماجرای نجات قدیمی ترین زن زندانی ایران

بر اساس خاطره‌ای از عبدالصمد خرمشاهی وکیل پایه یک دادگستری

گروه حوادث/ فرناز قلعه دار: شاید بتوان گفت یکی از پرونده‌های عجیب تاریخ محاکمات کیفری ایران مربوط به زنی میانسال به نام فاطمه است که به خاطر اعتراف دروغین به قتل یک مرد، ۲۰ سال از عمرش را در زندان گذراند در حالی که شوهرش عامل این قتل بود. البته روند رسیدگی به این پرونده بنا به دلایلی مشکلات بسیاری داشت که به آن خواهم پرداخت. همان طور که یادمان است و می‌دانیم در سال ۱۳۷۳ دادسرا از سیستم دادرسی کیفری ایران حذف شد. حذف دادسراها در سال ۷۳ و برمبنای قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب صورت گرفت. این کار امری غیرکارشناسی بود و شاید بتوان گفت ضربه‌ای اساسی و مهلک بر نظام قضایی ایران و حقوق عمومی وارد کرد. پرونده فاطمه نیز در همان سال‌ها اتفاق افتاد و در واقع معایب این سیستم را برملا کرد. البته با پیگیری کارشناسان و مسئولان مربوط در سال ۱۳۸۱ دوباره قانون دیگری آمد و دادسراها، احیا شد.

برگردیم به پرونده فاطمه و ببینیم در این پرونده چه اتفاقی افتاد؟ در آن سال‌ها - حدود سال ۱۳۷۲- در یکی از روستاهای جنوب شهر تهران مردی به نام مسعود به قتل رسید. با شروع تحقیقات پلیسی آنها رد زنی به نام فاطمه را پیدا و او را دستگیر کردند. فاطمه زنی میانسال بود که آن زمان شوهر و دو عروس هم داشت. فاطمه در تحقیقات اولیه در دادگاه عمومی که حالا دیگر مقام تعقیب و تحقیق از مقام منشی رأی به اصطلاح یکی شده بود اقرار کرد که من مسعود را کشته‌ام.

اعتراف دروغین به قتل

اما واقعیت ماجرا این بود که برخی از همسایه‌ها و اعضای خانواده فاطمه به درست یا نادرست شک برده بودند که فاطمه با مسعود که از آشنایان‌شان بوده از مدتی قبل و در غیاب شوهرش ملاقات‌های پنهانی داشته است. وقتی این شایعات به گوش شوهر فاطمه رسید او را مورد مؤاخذه قرار داد و فاطمه هم منکر ماجرا شد اما وی را تهدید کرد و بعد هم گفت که قصد انتقام دارد. بنابراین یک روز مسعود را به خانه خود دعوت کردند و داخل نوشیدنی وی سم ریختند. مسعود بعد از خوردن سم حالش بد شد و در راه بازگشت به خانه‌اش جان باخت. وقتی پلیس فاطمه را دستگیر کرد، شوهرش از او خواسته بود قتل را گردن بگیرد و به او قول داده بود که تمام تلاشش را می‌کند که او را نجات دهد. فاطمه هم قتل را به گردن گرفت و در همان دادگاه عمومی جزایی اعتراف کرد که با ریختن سم در نوشیدنی مسعود او را کشته است. در جریان تحقیقات وقتی از او پرسیده بودند چه نوع سمی استفاده کرده، گفته بود مرگ موش و درباره رنگ آن نیز گفته بود خاکستری بوده است. یکی از عروس‌های فاطمه هم به عنوان شاهد و مطلع احضار شده و ایشان نیز اظهارات مادرشوهرش را تأیید کرده و گفته بود من دیدم که او مرگ موش خریده بود. دادگاه هم بر اساس اقرار اولیه فاطمه و بدون اینکه تحقیقات جامعی انجام دهد و علت فوت رو به دقت بررسی کند که چه نوع سمی وارد بدن شده و با تحقیقات ناقص، حکم به قصاص فاطمه داد.

سال های سخت زندان

بعد از صدور حکم، فاطمه همچنان در زندان بود و بنا به دلایلی حکم قصاص اجرا نمی‌شد و این بلاتکلیفی ۱۴ سال طول کشید. این یکی از پرونده‌های عجیب تاریخ محاکمات کیفری ایران است که هم نقص ناشی از حذف دادسرا و هم صرف صدور حکم براساس اقرار متهم را نشان می‌دهد «تالی فاسد» این کاستی‌ها، یعنی پیامدهای نادرست و نامطلوب آن‌ها، در بلاتکلیفی. چهارده سال که فاطمه پشت میله‌های زندان ماند و آن طوری که مددکارش می‌گفت در این مدت بیش از ۲۰ بار دست به خودکشی زد، اما زنده ماند. حتی دو سال در بیمارستان اعصاب و روان بستری شد و به گفته خودش روزی ۱۰، ۱۵ تا قرص اعصاب می‌خورد تا اینکه شوهرش که وضع او را وخیم دید بعد از چهارده سال به سراغ من آمد. مرد میانسال وقتی وارد دفتر وکالتم شد، گفت: «من خیلی پرس و جو کردم و دنبال وکیلی زبده و ماهر می‌گشتم تا همسرم را نجات دهد که بالاخره به شما رسیدم لطفاً همسرم را نجات دهید، او ۱۴ سال در زندان است و حال خوبی ندارد، هرچقدر بخواهید به شما پول می‌دهم، خانه‌ام را می‌فروشم و حق الوکاله شما را می‌دهم، فقط کمک کنید همسرم اعدام نشود.

بعد از شنیدن داستان این زن به زندان رفتم تا با او صحبت کنم. وقتی با دقت به حرف‌های فاطمه گوش کردم، دیدم که خیلی حرف برای گفتن و دفاع است. فاطمه هم آنقدر وضعیت بد و نامناسبی داشت که در زندان می‌گفتند حتی قادر به انجام کارهای شخصی‌اش هم نیست و زندانی‌های دیگر کمکش می‌کنند. او از من خواهش کرد که پرونده‌اش را قبول کنم. فاطمه وقتی تردید مرا دید، انگشتری که در دستش بود را در آورد و گفت این را به شما می‌دهم فقط لطفاً پرونده من را قبول کنید. در آن سال‌ها من وکالت رایگان پرونده‌های زیادی را گرفته بودم و تازه تصمیم داشتم پرونده‌هایی را قبول کنم که حداقل بتوانم با حق‌الوکاله‌اش وضع مالی‌ام را بهتر کنم. با این حال گفتم نه انگشتر پیش خودت باشه و من وکالتت رو قبول می‌کنم. بعد کارهای قانونی را شروع کردم. خوشبختانه اعتراضی که روی پرونده زدم مورد پذیرش قرار گرفت و دادنامه نقض شد. بعد از چهارده سال پرونده را به شعبه هم‌عرض در یکی از شعبات دادگستری شهرستان ری دادند. زمانی که پرونده را مطالعه می‌کردم پی بردم که در یکی از نظریه‌های کارشناسی در مورد سم، کارشناس مربوطه قید کرده بود سمی که باعث فوت مقتول شده سمی گیاهی و نباتی به نام سم کزابتون بوده که برای دفع آفات گیاهان استفاده می‌شده و رنگش هم زرد بوده است، نه مرگ موش خاکستری. این قضیه را در لایحه نوشتم و به دادگاه دادم.

در یک روز پاییزی که هوای بسیار خوبی بود قبل از اینکه به دادگاه برویم در محوطه دادگستری با فاطمه و دو تا مأمور همراه او و دختر و پسر و همسرش نشسته بودیم که فاطمه با لحنی بسیار ناراحت و عصبانی به شوهرش گفت: «ببین من چهارده سال به خاطر تو جرمی را که هیچ دخالتی در آن نداشتم گردن گرفتم، ۱۴ سال از عمر و جوانی و زندگی‌ام بر باد رفت. دارم در زندان می‌پوسم و از بچه‌هایم دور ماندم، فقط به خاطر تو. من بی‌گناهم اگر به تو خیانت هم کرده بودم که هرگز خیانت نکردم باز هم مجازاتش ۱۴ سال حبس و بدبختی نبود، فوقش شلاق می‌خوردم اما دیگر تحمل زندان را ندارم. حق من این همه بی‌عدالتی نیست.»

> فاطمه که لقب قدیمی ترین زن زندانی را به خود اختصاص داده به خاطر همسرش به قتلی اقرار کرد که هرگز دخالتی در آن نداشت و به قصاص محکوم شد اما با تلاش وکیل پرونده و بعد از چند بار نقض حکم و محاکمه در شعبه هم عرض سرانجام بعد از ۲۰ سال با جلب رضایت اولیای دم آزاد شد

نکته جالب این بود که شوهرش بدون اینکه منکر شود یا از خودش دفاع کند، گفت: «من هم که کوتاهی نکردم رفتم بهترین وکیل قتل را شناسایی کردم و برایت گرفتم تا نجاتت دهم. حالا هم هر کاری بتوانم می‌کنم تا اعدام نشوی.»

فراری دادن همسر از دادگاه

یکی از اتفاقات عجیب در این پرونده موضوع فراری دادن فاطمه از سوی همسرش بود. یک روز قبل از تشکیل دادگاه همسر فاطمه به رئیس دادگاه زنگ زده بود که اجازه بدهید فاطمه نزد شما بیاید چون می‌خواهد حرف مهمی بزند. رئیس دادگاه هم دستور داد فاطمه را احضار کنند اما میانه راه همسر فاطمه با شگردی که خودش مدعی شد، توانسته مأمور بدرقه را فریب دهد و از یک لحظه غفلت او سوءاستفاده کرده و فاطمه را فراری دهد. من که از این ماجرا بی‌خبر بودم همان روز با تلفنی که فاطمه به من زد موضوع را فهمیدم، او گفت شوهرش دارد او را به سمت یکی از شهرهای جنوبی کشور می‌برد. به او گفتم چرا این کار را کردی، این اشتباه را انجام نده چون پرونده‌ات دارد به مراحل خوبی می‌رسد و بی‌گناهی تو ثابت می‌شود. گفت همسرم این کار را کرد، من نمی‌خواستم فرار کنم. گفتم بلافاصله خودت را معرفی کن.

جالب است بگویم که در غیاب فاطمه دخترش را بازداشت کرده بودند که مادرش مجبور شود، برگردد که البته این هم خلاف اصل شخصی بودن جرائم مجازات‌هاست. به هر حال فاطمه برگشت و دادگاه نیز تشکیل شد و من هم مفصل از او دفاع کردم و گفتم که اقرار وی مستدل و نافذ و قانونی نبوده و تحت اجبار و فشار همسرش به قتل اقرار کرده و نتیجه آزمایش کارشناسان مربوطه را نیز در مورد سم ارائه کردم و سایر دلایل نیز مطرح شد و محاکمه چندین جلسه طول کشید تا اینکه سرانجام موفق شدم بعد از چهارده سال حکم آزادی فاطمه را بگیرم و او از زندان آزاد شد.

اعتراض اولیای دم

حدود ۲ سال فاطمه آزاد بود و در این مدت خیلی تلاش کرد هم خودش به زندگی برگردد و هم بچه‌هایش را سرو سامان دهد. یکی از پسرهایش در این مدت معتاد شده بود که فاطمه توانست او را ترک دهد، می‌خواست زندگیش را درست کند و با شور و شوق زیادی زندگی می‌کرد تا اینکه اولیای دم اعتراض کرده و بعد از ۲ سال دادنامه نقض شد، بنابراین پرونده را دوباره به شعبه هم عرض دادند و با رأی قضات فاطمه دوباره به زندان برگشت. ۳ سال بعد در حالی که ۲۰ سال از ماجرای قتل گذشته بود با پیگیری بسیار باردیگر پرونده به شعبه هم عرض رفت و این بار رئیس شعبه مربوطه با من تماس گرفت، وقتی به حضورش رفتم گفت این پرونده دیگر خسته کننده شده و افکار عمومی هم دیگر خسته شده‌اند، باید دیه اولیای دم را بدهیم و این پرونده ختم به خیر شود. من گفتم اجازه بدید من صحبت بکنم چون اینها توانایی پرداخت دیه را ندارند که ایشان گفت ما سعی می‌کنیم خودمان از یک محلی این دیه را تأمین بکنیم اما در همین گیر و دار همسر فاطمه خانه‌اش را فروخت و دیه را به اولیای دم پرداخت کرد و آنها هم رضایت دادند اما فشار بیش از حد روحی که فاطمه در این سال‌ها متحمل شده بود و بیماری‌هایی که گرفته بود باعث شد که او حتی دیگر نتواند به راحتی صحبت کند، این زن در ۴۲ سالگی به زندان رفته بود و حالا به ۶۲ سالگی رسیده بود، فقط مدام می‌گفت: من نکشتم نکشتم نکشتم.

به هر حال فاطمه بعد از بیست سال از زندان آزاد شد و هنوز هم لقب قدیمی ترین زن زندانی را به خود اختصاص داده است. همسرش هم بعد از اینکه خانه را فروخت حدود یکی دو هفته بعد از این ماجرا خیلی ناگهانی درگذشت. اما این پرونده دو نکته مهم داشت اول اینکه حذف دادسرا از سیستم کیفری محاکمات کیفری تبعات منفی داشت و دوم اینکه قضات نباید فقط به اقرار اهمیت بدهند، اقرار فی نفسه واجد ارزش نیست، بلکه باید دلایل و مستندات دیگری اقرار را تقویت کند.

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۴۹**

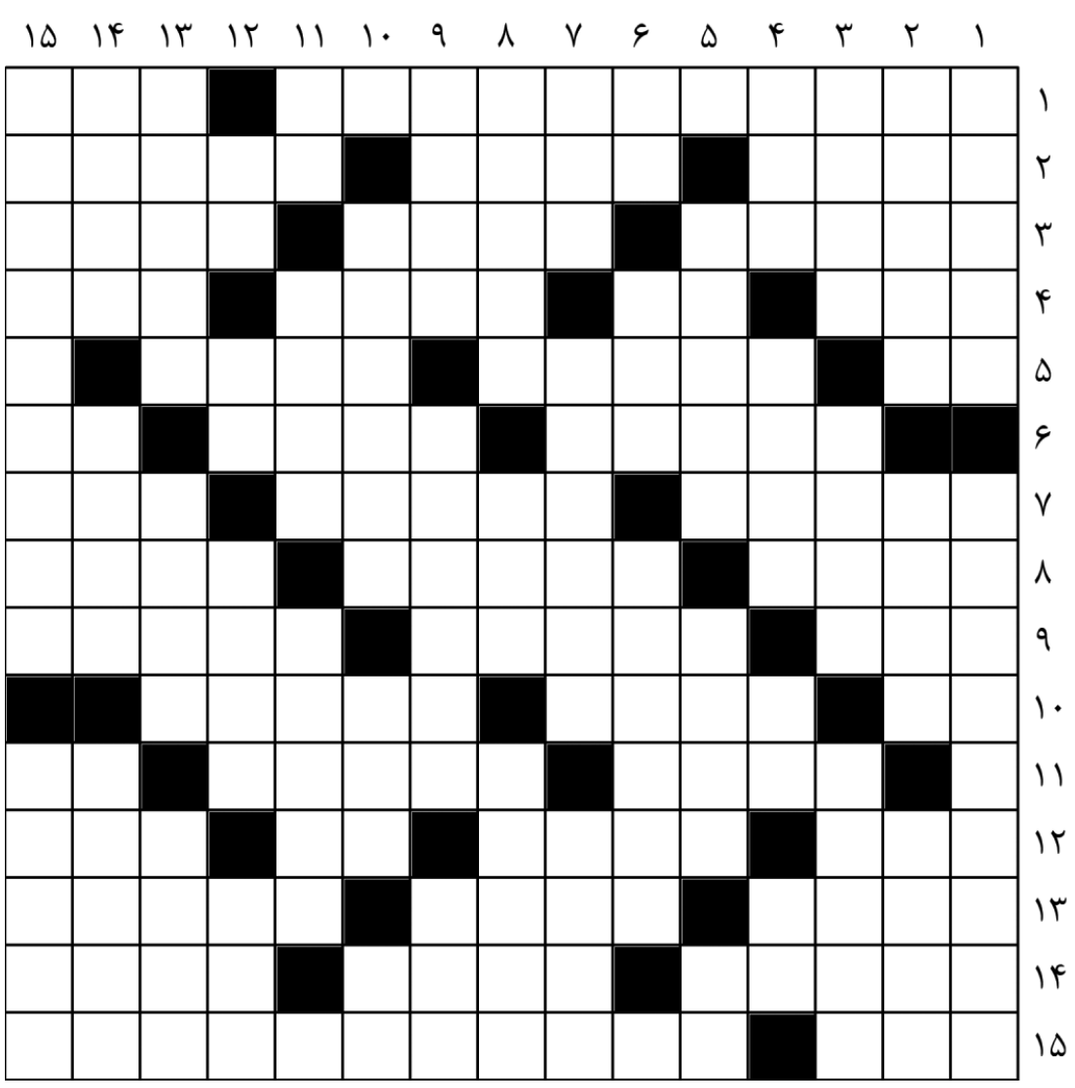

جدول عادی

افقی

۱- با شجاعت کاری کردن - بسیار خنک
۲- کلام اجابت - استاندار قدیم - برتری‌ها، فزونی‌ها
۳- پایتخت سامانیان - جنگ تن‌به‌تن - نسبت زن و شوهر به هم
۴- دخترک کارتونی - به‌معنی زایش - برتری و چیرگی - شاعر معاصر
۵- حتماً به دنبالش «خورد» می‌آید - کار مترجم - دختر گشتاسب
۶- بخشی در «اسپانیا» - یکی از مهم‌ترین بیماری‌های درختان - یال اسب
۷- ضارب - فیلم هادی نائیجی (۱۴۰۵) - همان «ماچ» است
۸- میوه نورس - گونه‌ای نوشیدنی - خانم، خاتون
۹- پول خون - ظرفی برای غذاخوری - در یک جبهه می جنگند
۱۰- تن‌پوش لاغری موقت! - توبره - نژاد روسی
۱۱- اتاقک نمایشگاه - آدمی - ضمیر چهارم
۱۲- نیروگاه شمال ایران - نام دیگر «کتلت» - منفرد - سال گذشته
۱۳- ویرایش - دگرگونی و تغییر - ژرف‌گاه
۱۴- انس گرفته - سال‌ها - کلمه تعلیل
۱۵- جملگی و کل - محله‌ای در تهران

عمودی

۱- جای باصفا - بیوگرافی
۲- چهره را زیباتر می‌کند - مدرن - واژه پرسشی
۳- نان از شب مانده - میوه‌ای در خدمت ترشی و مربا - آشوب، مهلکه
۴- دزد رایانه‌ای - رعد - نغمه و غنا - ضمیر داخل
۵- رنجیده - رنگ بادمجان - دهان
۶- سطح - زمان مرگ - نامداری
۷- خاطر - رقابت ورزشی - تباه کننده
۸- درختچه‌ای از تیره گل‌شرخیان - صدای بلند - خبرگزاری ایران
۹- کشور آفریقایی - بزرگراه - بمب مخفی
۱۰- فیلم جمال شورجه - بی‌پایه - همراه سوزن!
۱۱- پس ندادنی خسیس! - از مناطق ییلاقی تهران - نابودی، نیستی
۱۲- حرف تحسین - کالای نو درون کارتن - امر به ماندن - مقابل، قبال
۱۳- ساحر بنی‌اسرائیل - حصار - حافظ نظم شهر
۱۴- نوار و تار - میخ کوچک - آن‌سوی
۱۵- دوازدهمین و آخرین پادشاه هخامنشی - عضو یا وابسته به یک حزب

جدول ویژه

افقی

۱- یکی از بهترین خودروهای سدان کامپکت - مسابقات سراسری دوره‌ای
۲- از شهرستان‌های استان خراسان رضوی - انجمن تیزهوشان - آشیانه
۳- آماسیده - بازیگر فقید با نام «امین» - متداول
۴- دوست - حرف فاصله‌انداز - بی‌چیز - بازداشتن
۵- جایگاه ویژه - کارآزمایی - فرو بردن لقمه
۶- نژادی سفیدپوست - ماشین تحریر - خط کش مهندسی
۷- تردید - نوعی مالیات - الی آخر
۸- فقرالدم - یارو - سیمرغ
۹- سیخ نانوایی - درست دانستن سخن یا عملی - بازیگر فیلم‌های خنده‌دار
۱۰- شالوده - ملحد - همان «مادر»
۱۱- آسوده - زن همنشین - در مثل غنیمت است
۱۲- ماده بیهوشی - سازمان خواربار و کشاورزی جهانی - فیلم «اروینگ پیکل» - گلشن
۱۳- فیلم شهروز شکوززاده - ناتمام - بدهکار
۱۴- دانه‌دانه - از گل‌ها - نوزاد حشره
۱۵- کرشمه - فیلمی اکشن به کارگردانی «دولف لاندگرن» (۲۰۲۴)

عمودی

۱- به فرجام رساندن - بازیگر فیلم ترسناک «روزاریو» (۲۰۲۵)
۲- مقدار فشار الکتریکی - الهه عشق و جمال - پول «بنگلادش»
۳- یاری دهنده - عروسک آدم‌نما - عشوه‌گر
۴- ضلعی در مثلث - بی‌غمی و خرسندی - ضمیر اجتماعی - خطاب نزدیک
۵- ظاهر شونده - بزرگی یافتن - انگشت‌شمار
۶- رئیس جیمز باند - دیدگاه‌ها - کوهی در استان هرمزگان
۷- از پیشگامان جامعه‌شناسی - از آهنگ‌های موسیقی ایرانی - مقیاس طول
۸- هر وسیله که خبر یا مطلبی را برساند - نظر انتخاباتی - زمان‌ها
۹- آگاه - زردپی - سپیده‌دم
۱۰- شاعر ایرانی با لقب «حَسّان‌العجم» - زمین آماده کشت - جبه
۱۱- اشاره بعید - نگرش - این عنصر در متابولیسم آهن بدن مؤثر است
۱۲- فتنه‌جو - موسیقی غربی - تعداد زیاد و کلی از چیزی - از بیخ برکندن
۱۳- پستی - مخفف اندوه - بسیار درخشنده
۱۴- دست راست - طرز برخورد - قضاوت
۱۵- از حکام مشهور زمانِ شاه عباس صفوی - مورد خشم قرار گرفته

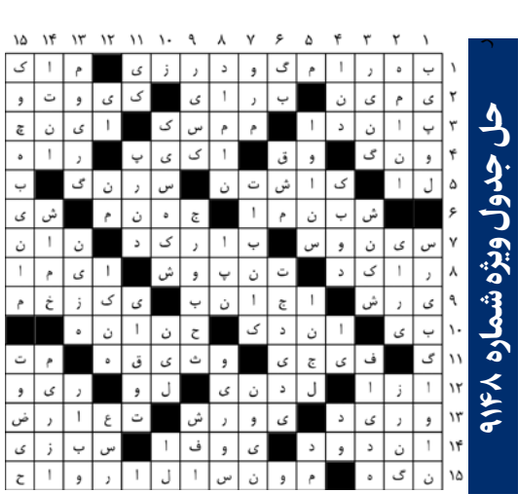

حل جدول عادی شماره ۹۱۴۸

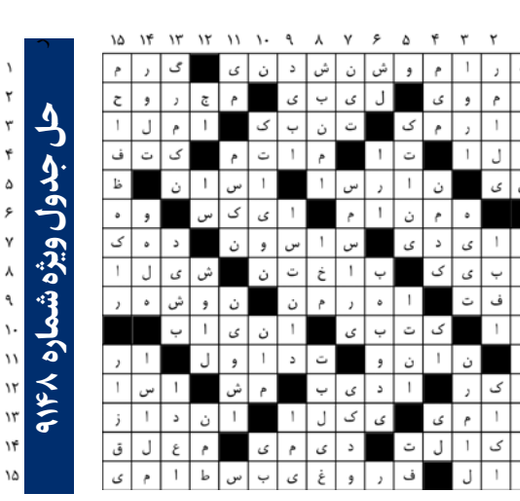

حل جدول ویژه شماره ۹۱۴۸